

## شیوه‌های ادبی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن

آرش امرایی<sup>۱</sup>: استادیار دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر  
علی بازوند: استادیار دانشگاه فرهنگیان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۵-۴۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

### چکیده

از آنجا که قرآن کریم منبع بی‌پایان اندیشه‌های اخلاقی، انسانی و تربیتی است، بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی زبان، همواره در خلق آثار خود از این گنجینهٔ پر فیض بهره برده‌اند. همین آمیختگی میراث مکتوب فارسی با آموزه‌های اسلامی، موجب دشواری درک این میراث بدون آشنایی با قرآن و حدیث شده است. ناصر بن خسرو قبادیانی یکی از شاعرانی که شعر را در خدمت ترویج افکار دینی و مذهبی خود قرار داده است؛ برای پیشبرد این اهداف و به انجام رساندن مأموریت مذهبی شعر خود، اشعارش را به این آیات نورانی آراسته است. با توجه به آبخور مذهبی ناصر خسرو، اشعارش در برگزیده هدایت‌های اخلاقی و نصایح فراوانی است. ناصر خسرو با تسلط مناسب بر مفاهیم قرآنی و هنرمندی تمام و با بهترین شیوه ممکن، گاه از اصل آیه یا بخشی از آن و زمانی هم از مفهوم و معنای آن بهره برده، با استفاده از آیات قرآن به گونه‌های متنوعی بهره می‌برد و شعر خود را به آیات مقدس قرآن می‌آراید؛ همین موجب اثربخشی بیشتر سخنان وی شده است. در این مقاله بررسی همه‌دیوان ناصر خسرو و با استفاده از جدول‌های آماری، گونه‌های مختلف انعکاس آیات در دیوان ناصر خسرو تحلیل می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** ناصر خسرو، شیوه‌های انعکاس، تاثیر قرآن، آیات.



## ۱. مقدمه

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، قرآن و مفاهیم الهی آن در فرهنگ عربی به نحو قابل توجهی تأثیر گذاشت و این تأثیر تا اندازه‌ای بود که بسیاری از لهجه‌های موجود در حجاز را از صحنه خارج کرد. در این زمان در بین اعراب کم‌تر پدیده اجتماعی را می‌توان یافت که رنگ و بوی قرآن و سنت نداشته باشد. (سبزیان پور، ۱۳۸۳، ص. ۹۶) علاوه بر این با ورود اسلام به همه مناطق تحت نفوذش، تأثیری عمیق بر زبان و زندگی و فرهنگ آن مردم داشت؛ یکی از مناطقی که اینگونه از اسلام تأثیر پذیرفت ایران بود.

از هنگام ورود اسلام به ایران، زبان عربی نیز به عنوان زبانی که معارف دینی تازه‌ای را به ایرانیان ارائه می‌نمود، به طور جدی‌تر در ایران پذیرفته شد. هرچه بر عمر اسلام در ایران افزوده می‌شد، نفوذ زبان عربی نیز در بین مردم ایران نیز بیشتر می‌شد. از این روی ورود اسلام به ایران و به دنبال آن تسلط سیاسی اعراب بر ایران موجب آشنایی و در بسیاری از موارد انس طبقه‌ی تحصیل کرده ایران با زبان عربی شد؛ همچنین در مکتب‌خانه‌ها قرآن و زبان عربی به عنوان علوم مقدماتی آموخته می‌شد؛ و به این ترتیب شعرا و نویسندگان پیش از هر چیز دیگر بر منبع بی‌پایان علوم، یعنی کلام نورانی وحی مسلط می‌شدند و قرآن را می‌آموختند. از این روی آگاهی شعرا و نویسندگان از زبان عربی، بر زبان شعری و شیوه‌ی نگارش آنها تأثیر گذاشت؛ اینان خود آگاه و یا ناخود آگاه موجب ورود لغات و تعییرات زبان عربی به زبان فارسی شدند. از آنجا که زبان عربی زبان دین اسلام بود و برخی شعرا و نویسندگان از جمله خطیبان و تبلیغ‌کنندگان دین اسلام و آموزه‌های آن بودند، بی‌گمان از آیات نورانی قرآن بی‌بهره نمی‌ماندند؛ «از آنجا که میزان و معیار سخن فصیح و بلیغ، قرآن شناخته می‌شد، شعرا و نویسندگان می‌کوشیدند تا الفاظ و ترکیبات قرآن را در نوشته‌های خود بکار برند و نیز از معانی و مضامین آن اقتباس کنند (محقق، ۱۳۷۴، ص. ۱).

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای استفاده شعرا از آیات قرآن و یا اقتباس از آنها برشمرد، این است که مردم مسلمانی که فلاح و رستگاری را در پیروی از آیات قرآن

می‌دانستند و همچنین به اندازه‌ی کافی با معارف و فرهنگ قرآنی آشنا شده بودند، کلام آمیخته با آیات قرآن را بیشتر از هر کلام دیگری می‌پسندیدند و از آن لذت برده، با مطالعه آن بخشی از معارف اسلامی و آیات قرآن را به شیوه‌ای ملموس و نزدیک می‌آموختند. آنچه که در اینجا ضروری است به آن اشاره شود این است که قرن سوم آغاز ورود قرآن و حدیث به شعر و ادب فارسی است. شاعران و نویسندگان فارسی زبان ابتدا از واژه‌های برگرفته از قرآن و حدیث در شعر خود استفاده کردند و به دنبال آن هرچه بر آشنایی آن‌ها به زبان عربی و قرآن و حدیث افزوده می‌شد، شیوه‌های استفاده و اثرپذیری از قرآن و حدیث نیز متنوع‌تر شد (یوسفی، ۱۳۸۷، ص. ۱).

ناصر خسرو یکی از شعرائی است که تربیت‌شده‌ی مکتب‌خانه‌هایی است که ابتدا قرآن را به شاگردان خود می‌آموختند؛ از این رو وی نیز همانند بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان هم‌عصرش زبان عربی و قرآن را در همان سال‌های آغازین تحصیل خود به خوبی آموخته بود. از آنجا که ناصر خسرو پیش از هر هدف و غرض دیگر به دنبال اهداف تربیتی و اصلاحی بود، منبعی شایسته‌تر از قرآن برای ارائه به مخاطبان خود نمی‌دید، به همین خاطر در بیان مطالب اخلاقی و تربیتی و مذهبی خود اغلب بخش از قرآن را چاشنی کار خود کرده است تا ضمن بیان تسلط خود بر قرآن، مخاطب را به پذیرش نصیحت‌های خود مجاب نماید. ناصر خسرو قرآن را از بر داشته است؛ خود در دیوانش به این نکته اشاره کرده است؛ آنجا که می‌گوید:

مقرّم به مرگ و به حشر و حساب      کتابت ز بر دارم اندر ضمیر  
(دیوان ص. ۴۰)

همین یکی از مهم‌ترین دلایلی است که در همه جا و همه وقت قرآن انیس و مونس جان و زبان وی باشد؛ همان‌گونه که خود نیز به این موضوع اشاره کرده است:

خواندن فرقان و زهد و علم و عمل      مونس جانند هر چهار مرا  
(دیوان ص. ۱۲۵)

مطابق آنچه خود ناصر خسرو می‌گوید، همشینی با قرآن برای او همیشگی بوده، در عمل نیز پیرو بی‌چون و چرای تعالیم و دستورات قرآنی بوده است.

خواندن فرقان و زهد و علم و عمل      مونس جانند هر چهار مرا  
(دیوان ص. ۱۲۵)

این همراهی و همشینی همیشگی ناصر خسرو با قرآن، موجب تسلط ویژه‌ی وی بر لفظ و معنای آن شده است؛ از این رو آیات قرآن را به شیوه‌های مختلفی در دیوان خود به کار می‌گیرد.

اگر به شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات دقت شود، خواهیم دید که ناصر خسرو هرگاه می‌خواهد نکته‌ای دینی و اخلاقی را بیاموزد، آن را به آیه‌ای از آیات قرآن محکم می‌نمود و این‌گونه به خواننده خود متذکر می‌شد آنچه را که ذکر کرده، منطبق بر آیات و دستورات الهی است از این روی پیروی از آن موجب رستگاری او می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی پژوهش‌های متنوعی انجام شده است. در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. از جمله می‌توان به کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» نوشته‌ی آقای سید محمد راستگو، کتاب «تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» نوشته‌ی آقای علی اصغر حلبی اشاره کرد. آقای رضا روحانی در مقاله «قرآن و تاویل آن از دیدگاه ناصر خسرو» نیز نکاتی در مورد تاویل قرآن از دیدگاه ناصر خسرو بیان کرده است. اما به شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن اشاره‌ای نکرده است. همچنین مقالات زیادی در مورد تاثیر قرآن و حدیث در آثار شاعران فارسی زبان نوشته شده است. از آن جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد که هر کدام به شیوه‌ای تاثیرپذیری شعر شاعری را از قرآن و حدیث بررسی کرده‌اند. از آن جمله است: «نقد رویکردهای مبتنی بر قرآن و حدیث در شعر نظامی»، دکتر محسن ذوالفقاری، «تصویرهای قرآنی در آثار منظوم جامی» سید محمد رادمش، «جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری» باقر قربانی زرین، «نقد و تحلیل شیوه‌های تاثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی» سیده زهرا موسوی و محسن ذوالفقاری و... با وجود انجام کارهای زیادی در مورد تاثیر قرآن و حدیث در شعر شاعران فارسی زبان و با در نظر داشتن استفاده‌ی گسترده‌ی ناصر خسرو از آیات و احادیث اما تاکنون اثر مستقلی در این خصوص منتشر نشده است.

## ۳. ناصر خسرو و دیوانش

ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی معروف به ناصر خسرو، فیلسوف، حکیم، جهانگرد و شاعر برجسته‌ی قرن پنجم (۳۹۴-۴۸۱ هجری) در قبادیان بلخ متولد شد. ناصر خسرو از جمله شاعرانی است که با حدوثِ اتفاقی، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. پس از خوابی که خود در ابتدای سفرنامه‌اش آن را به اجمال بیان کرده است، قدم در مسیری نهاد که همه‌ی زندگی‌اش را تحت تاثیر قرار داد و سفری دور و دراز را آغاز نمود. در مسیر این سفر که هدف نهایی‌اش زیارت خانه‌ی کعبه بود، برای مدتی در مصر ساکن شد؛ در این هنگام مصر تحت حکومت خلفای فاطمی بود. در طول اقامتش در مصر تحت تعلیم فاطمیان مصر قرار گرفت و به مرتبه‌ی «حجت» دست یافت؛ سپس راه رفته را بازگشت و تبلیغ دینی خود را آغاز کرد. همین تبلیغ آرامش را از زندگی او گرفت و برای در امان ماندن از تعقیب سلجوقیان، چندی از این شهر به آن شهر خود را از نظرها پنهان داشت تا در نهایت به دعوت امیرعلی بن اسد امیر محلی بدخشان در دره‌ی میمگان بدخشان ساکن شد و تا پایان عمر در همان‌جا باقی ماند. ناصر خسرو از اغلب علوم زمان خود از جمله فلسفه، کلام، نجوم و... آگاهی داشت؛ وی همچنین کل قرآن را از حفظ داشت (صفا، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۴۳). ناصر خسرو علاوه بر دیوان و سفرنامه‌ی معروفش، آثار دیگری نیز داشت از آن جمله می‌توان به رهایش و گشایش، خوان اخوان، وجه دین،

زادالمسافرین و جامع‌الحکمتین اشاره کرد.

هرچند نمی‌توان دیگر آثار ناصر خسرو را از نظر پنهان‌داشت، اما به جرأت می‌توان گفت دیوان ناصر خسرو بهترین و سرشارترین اثری است که ناصر خسرو آفریده است. دیوان او دارای فراز و فرودهای فراوان است و حاوی تجربه‌های حکیمانه‌ی ناصر خسرو است.

دیوان ناصر خسرو که بسیار مورد توجه و اقبال دوست‌داران زبان‌وادبیات فارسی قرار گرفته است را می‌توان فخامت و استواری کلام و هنر والای شاعری وی دانست. همچنین صدافتی که به وضوح در دیوان او دیده می‌شود، بیانگر اعتقاد راسخ وی به هرآن چیزی است که گفته است؛ چراکه ناصر خسرو از صمیم قلب به آنچه که می‌گوید باور دارد و سخن چون از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. (نوریان، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۰)

همان‌گونه که ذکر شد ناصر خسرو در آفرینش اشعارش پیرو یک مسیر خطی نیست؛ در دیوان او ابیات و اشعار متوسط و ضعیف نیز مشاهده می‌شود. هدف نهایی و غایی ناصر خسرو در سرودن شعر، رساندن پیام معنوی و دینی است؛ یعنی او شعر را دارای رسالتی دینی و معنوی می‌داند و در راه رسیدن به این رسالت گام برمی‌دارد؛ از این رو توجه او بیش از هر چیز دیگر، به هدفی است که محرک سرودن آن شعر شده است و ابزار این کار یعنی زبان و قالبی که ابیات را در آن ریخته‌گاه فدای هدف و پیام شعر می‌شود.

زبان شعری ناصر خسرو در دیوانش زبانی کهنه است؛ به بیان دیگر زبان شعری ناصر خسرو همپای دیگر شاعران هم‌عصرش تغییر نکرده است و مشخصات زبانی کهنه‌تر از زمان ناصر خسرو را دارد؛ از این رو می‌شود گفت زبان ناصر خسرو از زبان خود قدیمی‌تر و عقب‌تر است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل این موضوع دور کردن خود از جامعه باشد (زندانی شدن در دره‌ی یمگان). همین موجب شد تا زبان او به تناسب زمانش تغییر نکرده، در همان سطح قدیمی و پیشین خود باقی بماند؛ هرچند برای کهنگی زبان ناصر خسرو دلایلی دیگر از جمله فیلسوف بودن او را نیز عنوان می‌کنند اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل همان نخست باشد.

#### ۴. شیوه‌های استفاده‌ی ناصر خسرو از آیات قرآن

تسلط ناصر خسرو بر قرآن و همچنین خواست قلبی او برای پیشبرد اهدافش در راستای تعالیم قرآنی، موجب شده است تا قرآن برای او منبع بی‌پایانی از تعالیم و دستوراتی باشد که ناصر خسرو خود و شعرش را وقف گسترش و استفاده‌ی مردم از آن‌ها کرد. همین موضوع موجب می‌شد تا وی همه‌ی همت و توان خود را در استفاده از آیات قرآن بکار ببندد و به شیوه‌های متنوع از آیات قرآن بهره ببرد. استفاده‌های ناصر خسرو از قرآن گاه به استفاده از یک واژه‌ی قرآنی محدود می‌شود و زمانی هم مفهوم و مضمون آیه با آیاتی دستمایه‌ی آفرینش ادبی او می‌شود. ناصر خسرو به هر شیوه و یا روشی که از قرآن استفاده کرده باشد، به نحوی شایسته‌مطلب را به هم پیوند زده است و این خود دلیلی برای تسلط و آشنایی کامل او با لفظ و مفهوم قرآن است.



ذکر همه‌ی ابیات ناصر خسرو که به نوعی برگرفته از آیات قرآن هستند، کاری دشوار است که در این مقاله نمی‌گنجد؛ از این رو برای بیان شیوه‌های متنوع ناصر خسرو در بهره‌بردن از آیات قرآن تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده شده است.

#### ۱-۴. اثرپذیری واژگانی

همان‌گونه که از عنوان این شیوه یعنی بهره‌گیری از آیات قرآن برمی‌آید، بهره‌گیری از این شیوه به‌این صورت است که تنها مفردات واژه‌های قرآنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع ناصر خسرو ضمن بهره‌بردن از خود واژه‌ی قرآنی، به نوعی متذکر می‌شود که از این آیه و مفاهیم آن آگاهی داشته و در شعر خود به خوبی از آن بهره برده است. در این شیوه اثرپذیری، شاعر در بکارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه‌ی قرآنی و حدیثی دارند، و مستقیم یا غیر مستقیم، توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند. (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۸۴، ص. ۲). آشنایی ذهنی ناصر خسرو با مفردات قرآنی موجب شده است تا از این واژه‌ها همچون لغات و عبارات فارسی استفاده کند. این واژه‌ها گاه به تنهایی بار معنایی و هدف نهایی بیت را بر دوش می‌کشند و زمانی هم تنها به عنوان یک واژه که توسط خود شاعر و یا دیگر شاعران وارد زبان فارسی شده مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده‌ی ناصر خسرو از واژه‌های قرآنی فراوان و در جای‌جای دیوان ناصر خسرو پراکنده شده‌اند لذا در اینجا تنها به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

ای یار سرود و آب انگور      نه یار منی بحقّ والطور  
(دیوان ص ۳۱۹)

اشاره دارد به آیه ۲ از سوره‌ی مبارکه‌ی تین که می‌فرماید: «وَأُطُورُ سِنِينَ» (و سوگند به طور سینا)

در شعر مشاهده می‌شود که شاعر با عنوان قسمی، پای آیه مورد نظر را نیز به میان کشیده، ذهن مخاطب را به آن متوجه می‌سازد.

ایزدش عطا داد به پیغمبر از یراک      اویست حقیقت یکی از سبع مثنایش  
(دیوان ص ۲۹۶)

اشاره دارد به آیه ۸۷ از سوره‌ی مبارکه‌ی حجر که می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنَ الْمَثَلِيّاتِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ». (همانا هفت آیت با ثنا و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم).

در این شاهد مثال نیز دیده می‌شود ناصر خسرو با بهره‌بردن از یک کلمه از آیه‌ای از آیات قرآن به گونه‌ای آشنایی خود با این آیه و قرآن را به خواننده متذکر می‌شود.

نزدیک عاقلان عسل النحلّم      واندر گلوی جاهل غسلینم  
(دیوان ص ۱۳۶)

اشاره دارد به آیه ۳۶ از سوره مبارکه‌ی حاقّه که می‌فرماید: **وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسَلِينٍ** (و نه طعامی، جز از چرک و خون).

ناصر خسرو در این بیت از یک واژه قرآنی به بهترین شکل ممکن استفاده می‌کند و این گونه می‌خواهد بگوید من به اندازه آن غذایی که به گناهکاران در جهنم تعلق می‌گیرد برای جاهلان ناپسند و چندش آور هستم. به بیان دیگر جاهلان چون سخنم را درک نمی‌کنند برایشان چندش آور و غیر قابل تحملم اما عاقلان مرا بسیار دوست می‌دارند و پذیرا هستند.

این صورت خوب را نگه دار  
تا ننگینش به قعر سجین  
(دیوان ص ۵۰)

ناصر خسرو واژه «سجین» را از قرآن گرفته است. این بیت با استفاده از آیه‌ی ۷ سوره‌ی مبارکه‌ی مطففین سروده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «ان کتاب الفجار لفی سجین». سوره‌ی مطففین آیه‌ی ۷. (به درستی که نامه‌ی بدکاران هر آینه در سجین است).

با در نظر گرفتن موارد فوق که به عنوان نمونه‌هایی از استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن اشاره شده است، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که ناصر خسرو از منبع عظیم و ارزشمند کلمات قرآن بهره فراوانی برده تا ضمن بیان اعتقادات و نظرات خود، مخاطب را به قرآن نیز ارجاع دهد.

## ۲-۴. اثرپذیری مضمونی

آشنایی ذهن و زبان ناصر خسرو با قرآن موجب شده است تا مضمون آیه‌ای از آیات قرآن ذهن‌گوینده را به‌سوی آفرینش ادبی سوق بدهد. در چنین مواردی مضمون آیه یا آیاتی را از قرآن گرفته و بر آن لباس دیگری از شعر پوشانده و در دیوان خود درج نموده است. در این شیوه، ناصر خسرو مانند دیگر بخش‌های دیوانش، خود را مقید به پیروی از شیوه‌ی خاصی نمی‌کند و با روش‌های متنوع، مفهوم و مضمون آیات را مورد استفاده قرار می‌دهد. ناصر خسرو که برای بیان نظریات و عقاید خود می‌کوشد هر چه بیشتر به تعالیم دین مبین اسلام نزدیک شود و به خوانندگان خود توصیه می‌کند پیرو تعالیم اسلامی باشند، چه کلامی بهتر از قرآن می‌یابد که با یاری گرفتن از آن به نتیجه‌ی مورد نظر خود برسد؟ از جمله استفاده‌های مضمونی ناصر خسرو از آیات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. موارد زیر نمونه‌هایی از اثرپذیری مضمونی ناصر خسرو از آیات قرآن است.

غایب نشده ست ایچ از اوّل کار  
تا آخر چیزی ز علم علّام  
(دیوان ص ۶۹)

اشاره دارد به آیه‌ی ۳ از سوره‌ی مبارکه‌ی سبا که می‌فرماید: **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغُرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ**. (کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد.»)



بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، پروردگاری که از غیب آگاه است و حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است.»  
 خدایت یکی را به ده وعده کرد      بده گر نداری به دل در خلل  
 (دیوان ص ۴۶۲)

ناصرخسرو در این بیت از مضمون آیه‌ی ۱۶۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام استفاده کرده است که می‌فرماید: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا. (هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد،)

خدایم سوی آل او ره نمود      که حبل خداست و خیرالرجال  
 (دیوان ص ۲۵۱)

ناصرخسرو مضمون بیت مذکور را از آیه ۱۰۳ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام گرفته است که می‌فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (و همگی به ریسمان خدا [=قرآن، و هر گونه وسیله وحدت الهی]، چنگ زبند؛ و پراکنده نشوید)

ز مکر و حیل تو خفته نیست ایزد پاک      بخوان و نیک بیندیش آیه الکرسی  
 (دیوان ص ۳۶۲)

بیت مذکور برگرفته از آیه‌ی ۲۵۶ از سوره‌ی مبارکه‌ی بقره که می‌فرماید: لَا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ

از مکر خداوند همی هیچ نترسی      زانست که با بنده پر از مکر و شکنجی  
 (دیوان ص ۳۳۸)

این بیت برگرفته از آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران است که می‌فرماید: وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (و یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) توطئه کردند؛ و خداوند (برای حفظ او و آیینش)، تدبیر نمود؛ و خداوند، بهترین تدبیرکنندگان است.)

بنگر نیکو تو از پی سخن ادريس      چون به مکان العلی رسید ز هامون  
 (دیوان ص ۹)

بیت برگرفته از آیات ۵۶ و ۵۷ از سوره‌ی مبارکه‌ی مریم که می‌فرمایند: وَ اذْکُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (و در این کتاب، از ادريس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود) و ما او را به مقام والایی رساندیم.

بنگر اندر لوح محفوظ ای پسر      خطه‌اش از کاینات و فاسدات  
 جز درختان نیست این خط را قلم      نیست این خط را جز از دریا دوات  
 (دیوان ص ۳۲۴)

مضمون این ابیات برگرفته از آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان است که می‌فرماید: وَ لَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامًا وَ الْبَحْرُ يُمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ اَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ



حکیم (و اگر همه‌ی درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود، (این‌ها همه تمام می‌شود ولی) کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند توانا و حکیم است).

### ۳-۴. اثرپذیری معنایی

در این نوع اثرپذیری از قرآن، ناصر خسرو ترجمه‌ی آیه یا آیاتی از قرآن را در بیت یا ابیاتی درج می‌نماید. هر جا ناصر خسرو خود لازم می‌داند، آیه‌ای را، ترجمه کرده و ترجمه‌ی آن را دستمایه‌ی آفرینش ادبی خود می‌کند. گاهی ترجمه‌ی همه‌ی آیه و گاهی ترجمه‌ی تنها بخشی از آیه را ذکر می‌کند. علاوه بر این ناصر خسرو مطابق معمول شیوه و روش خود در برخی ترجمه‌ها دست‌برده و آن‌ها را مناسب با خواسته‌ی خود اندکی تغییر داده است. هر چند در برخی موارد تغییرات بیشتر است اما به راحتی می‌توان رنگ و بوی آیه‌ی مورد استفاده را دریافت. این نوع استفاده ناصر خسرو به هر صورتی که باشد بیانگر تسلط کافی او بر قرآن است. در اینجا به برخی از این نوع استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن را ذکر می‌کنیم.

بد من نیکی گردد چو کنم توبه  
که چنین کرد ایزد وعده به فرقانم  
(دیوان ص ۱۹۷)

بیت مذکور تقریباً ترجمه‌ی آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است که می‌فرماید: *إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا*. (مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند سیئات آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است).

بولهب با زن به پیش می‌روندای ناصبی  
بنگر آنک زنش را در گردن افکنده کنب  
(دیوان ص ۹۸)

بیت مذکور ترجمه‌ی آیات ۴ و ۵ سوره‌ی مبارکه‌ی مسد است که می‌فرماید: *وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِدِّهَا جَبَلٌ مِّنْ مَّسَدٍ*. (و نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است، و در گردنش رشته‌ای از لیف خرما

آن شرابی که ز کافور مزاجست درو  
مهر مشکست بر آن پاک گوارنده شراب  
(دیوان ص ۱۸۷)

بیت مذکور ترجمه‌ی بخشی از آیه‌ی ۵ از سوره‌ی مبارکه‌ی انسان است که می‌فرماید: *إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا*. (نیکوکاران از جامی می‌نوشند که آمیزه‌اش کافور است)

این جهان را به جز از بادی و خوابی مشمر  
گر مقرّی به خدای و به رسول و به کتیب  
(دیوان ص ۵۲۰)

بخشی از بیت ذکر شده ترجمه‌ی قسمتی از آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت است که

می فرماید: وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و فقط سرای آخرت، سرای زندگی (واقعی) است، اگر می دانستند)

بهره ی خویش از عمر فراموش مکن رهگذارت به حساب نگه دار حسیب  
(دیوان ص ۵۲۱)

این بیت نیز ترجمه بخشی از آیه ی ۷۷ سوره ی مبارکه قصص است که می فرماید: وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا (و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن)  
نیکی بدهد مان جزای نیکی بد را سوی او جز بدی جزا نیست  
(دیوان ص ۱۱۵)

این بیت نیز ترجمه بخشی از آیه ی ۵۵ سوره ی مبارکه ی رحمن است که می فرماید: هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!)  
همان گونه از شواهد ذکر شده بر می آید، ناصر خسرو به صورت گسترده از معانی قرآن در اشعار خود بهره برده است تا به نوعی تسلط خود بر قرآن را به رخ بکشد و ایده ها و تفکرات خود را با آیات قرآن پیوند دهد و به مخاطب خود نشان دهد سخنان او برگرفته از آیات مقدس قرآن است.

#### ۴-۴. اثرپذیری گزارشی

یکی از انواع اثرپذیری شاعران و نویسندگان فارسی زبان از قرآن و حدیث اثرپذیری گزارشی است. در این شیوه شاعر یا نویسنده مضمون حدیثی یا آیه ای را دستمایه ی آفرینش ادبی خود می کند و به دو شیوه ی ترجمه یا تفسیر آن را در کلام خود گزارش می کند. در این شیوه حتی گاهی نامی از گوینده حدیث به میان می آید. (راستگو، ۱۳۷۴، ص. ۳۸) در سخن ناصر خسرو بارها به این شیوه از آیات قرآن بهره برده است. از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

یکیت گوید برگی مگر به علم خدای نیوفتد ز درختی هگرز و نه ثمری  
(دیوان ص ۲۲۲)

همان گونه که می بینیم این بیت به آیه ی ۵۹ از سوره ی الانعام اشاره دارد که می فرماید: وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (و گنجینه های غیب تنها نزد اوست، جز او کسی آن ها را نمی داند و آنچه را که در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین فرو نمی افتد و نه هیچ تر و خشکی مگر اینکه آن ها را می داند. آری هیچ چیزی فرو نمی افتد مگر اینکه آن در کتابی روشن ثبت شده است)

همچنین است در این بیت:

شیر دادار جهان بود پدرشان، نشگفت گرز ایشان برمند این که یکایک حمزند  
(دیوان ص ۶۶)

بیت اشاره دارد به آیات ۵۰ و ۵۱ سوره‌ی مدثر که می‌فرماید: *كَانَهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ*. (گویی گورخرانی رمیده‌اند، که از (مقابل) شیرری فرار کرده‌اند) ناصر خسرو در جایی دیگر این بیت را گفته است:

وین هر چهار خواهر زاینده با بچگان بی عدد و مر  
تسیح می‌کنندش پیوسته در زیر این کبود و تنک چادر  
تسیح هفت چرخ شنوده‌ستی گر نیست گشته گوش ضمیرت کر  
(دیوان ص ۴۵)

به روشنی مشخص است که ناصر خسرو در این ابیات آیه ۴۶ سوره‌ی اسری را در نظر داشته است که می‌فرماید: *تَسْبِحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا*. (آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند؛ و هیچ موجودی نیست، جز آن که، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید؛ او دارای حلم و آمرزنده است)

#### ۵-۴. اثرپذیری تلمیحی از داستان‌های قرآنی

داستان‌های قرآنی که گاه به روشنی در قرآن ذکر شده‌اند و گاه تنها اشاره‌ای گذرا به آنها شده است، نیز مورد استفاده ناصر خسرو قرار گرفته‌اند. قرآن به اندازه‌ی کافی در روح و ذهن ناصر خسرو رسوخ کرده، همین موجب شده است تا داستان‌های قرآنی نیز از نظر او دورنمانده، در آفرینش‌های ادبی خود و نیز در داستان‌ها و آموزه‌های عرفانی و دینی خود بهره‌ی لازم را از آنها ببرد. ناگفته پیداست آوردن داستان‌های قرآن در دیوان ناصر خسرو و اشاره به آنها تنها به خاطر بیان آشنایی وی با قرآن و تفاخر به آن نبوده است (نظیر آنچه در دیوان برخی شاعران می‌یابیم) بلکه ناصر خسرو بدون توجه به‌مورد مذکور، تنها برای تحکیم بخشیدن به اندیشه‌های خود و تاثیر عمیق‌تر آنها در مخاطبانی است که دیوان ناصر خسرو را چراغ راه خود قرار داده‌اند. شاید با بررسی بیشتر بتوان با قطعیت بیشتری این نکته را بیان کرد که استفاده‌ی ناصر خسرو از داستان‌های قرآنی نوعی برداشت و بهره‌برداری ساخت‌شکنانه از آیات قرآن است، که در آثار کم‌تر شاعری می‌توان این نوع استفاده از قرآن را یافت. در اینجا تنها به برخی از داستان‌های مورد استفاده در دیوان ناصر خسرو اشاره‌ای گذرا می‌کنیم.

آن قوم که در زیر شجر بیعت کردند چون جعفر و مقداد و چو سلمان و چو بوذر  
(دیوان ص ۵۰۸)

این بیت اشاره دارد به موضوعی که مضمون آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی مبارکه‌ی فتح است که



می فرماید: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا. (خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست؛ از این رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را پاداش آن‌ها قرار داد)

کان هر دو فریشته به فعل خویش آید آویخته مانده اند در بابل  
(دیوان ص ۲۷۱)

روشن است که بیت مذکور اشاره دارد به داستان هاروت و ماروت که در قرآن به آن اشاره شده است. یکی از آیاتی که به این دو فرشته و داستانشان اشاره‌ای داشته است آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره که می‌فرماید: وَ اتَّبِعُوا مَا تَلُوا الشَّيَاطِينِ عَلَىٰ مَلِكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ يُبَايِعُ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ. (و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. و سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیالود)؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. حال آنکه آن دو به هیچ کس چیزی (از سحر) یاد نمی‌دادند)

گرز آدمی ای پور توبه باید کردن ز گناهات همچو آدم  
(دیوان ص ۲۷۸)

بیت ذکر شده به روشنی به داستان حضرت آدم که یکی از قصص قرآنی است اشاره می‌کند. یکی از آیاتی که به داستان مذکور اشاره می‌کند آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره است که می‌فرماید: فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آن‌ها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است)

باز پرچین شودت روی و بخندی به فسوس  
چون بخوانم ز قرآن قصه‌ی اصحاب رقیم  
(دیوان ص ۳۵۷)

این بیت هم به یکی از داستان‌های قرآنی که همان داستان اصحاب کهف است اشاره می‌کند. یکی از آیاتی که به داستان اصحاب کهف اشاره کرده است آیه‌ی ۹ از سوره‌ی مبارکه‌ی کهف است که می‌فرماید: أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا. (آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت‌انگیز ما بودند؟!)

هر که مر این آب را ندید، در این آب تشنه‌ی چو هاروت ماند غرقه‌ی چو ذوالنون  
(دیوان ص ۹)

این بیت نیز اشاره دارد به دو داستان قرآنی هاروت و حضرت یونس که در آیات ۱۰۲ از سوره‌ی مبارکه‌ی بقره و ۸۷ از سوره‌ی مبارکه‌ی انبیا به این داستان‌ها اشاره کرده است که می‌فرمایند: وَ اتَّبِعُوا مَا تَلُوا الشَّيَاطِينِ عَلَىٰ مَلِكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا

يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَاوُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا  
إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ (و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. و  
سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیالود)؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر  
آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند)

## ۶-۴. اثرپذیری گزاره‌ای

گزاره به معنای عبارت است. هرگاه بخشی از یک آیه با کل یک آیه عیناً مورد استفاده شاعر در سرودن شعر قرار گیرد، از آن با عنوان اثرپذیری گزاره‌ای یاد می‌شود. «در این شیوه گوینده گزاره‌ای یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گزیری نیست در سخن خود جای می‌دهد. این‌گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد: تبرک و تبسم، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی و فضل‌فروشی، هنرنامی و...» (راستگو، ۱۳۷۴، ص. ۳۰) اثرپذیری گزاره‌ای خود دو نوع است. گاهی بخشی یا کل یک آیه بدون هیچ تغییری مورد استفاده شاعر قرار می‌گیرد که از آن با عنوان اقتباس یا تضمین یاد می‌شود و زمانی هم شاعر با قرار گرفتن در تنگنای وزن یا قافیه و یا دیگر تنگنای شعر آیه را دگرگون کرده و به نوعی آن را به شیوه مورد نیاز خود تغییر می‌دهد و از آن استفاده می‌کند. از این شیوه با عنوان حل یا تحلیل یاد می‌شود.

ناصرخسرو از هر دو شیوه‌ی گزاره‌ای استفاده کرده است؛ وی گاه بخشی از یک آیه را گرفته و بدون تغییر در شعر خود درج می‌کند و گاه آیه را اندکی تغییر داده به نحوی که در معنی آن تغییر حاصل نشود بلکه تغییر، تنها از جهت آماده کردن آیه برای ورود در شعر ایجاد شده است. او وقتی که نکته‌ای اخلاقی را آموزش می‌دهد، پس از ذکر مطالب مورد نظر خود و پس از آن که نکته اخلاقی را می‌آموزد، در پایان برای تحکیم آموزش خود و به نوعی تقدس بخشیدن به کلام خود، آیات قرآن را به یاری طلبد، از آن‌ها استفاده می‌کند و به گونه‌ای ذهن خواننده را متوجه این نکته می‌کند که مطلب ذکر شده، مورد عنایت خداوند بوده و در قرآن ذکر شده است؛ به همین خاطر با بیان بخشی از آیه ذهن خواننده را متوجه قرآن می‌نماید. در اینجا به برخی از شواهد این شیوه‌ی استفاده در دیوان ناصرخسرو اشاره می‌کنیم.

ناصرخسرو از هر دو نوع اثرپذیری گزاره‌ای استفاده کرده است هرچند اغلب استفاده‌های گزاره‌ای ناصرخسرو از نوع حل یا تحلیل است تا اقتباس و تضمین؛ اما نمونه‌هایی هرچند اندک از نوع اقتباس و تضمین نیز می‌توان در دیوان ناصرخسرو یافت. یعنی ناصرخسرو اغلب عبارات قرآنی را جهت استفاده در شعر خود اندکی تغییر داده است و به زبانی دیگر آن را در قالب شعر خود ریخته و همان معنا و مفهوم مورد نظر قرآن را با استفاده از آن عبارات استفاده می‌کند؛ از

جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کس نجوید می نشان از هفت زن  
کامدست اندر قرآن ز ایشان صفات  
برنخواند خلق پنداری همی  
مسلمات مومنات قانتات  
(دیوان ص ۳۲۵)

همان گونه که می بینیم در ابیات بالا بخشی از آیهی ۵ سورهی مبارکهی تحریم است که می فرماید: عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا. (ای همسران پیامبر) اگر او شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کننده، عبادت کار، هجرت کننده، زنانی غیرباکره و باکره.)

مکن هر گز بدو فعلی اضافه گر خرد داری  
به جز ابداع یک مبدع کلمح العین او ادنا  
(دیوان ص ۲)

ناصر خسرو در بیت مذکور بخشی از آیهی ۷۷ سورهی مبارکهی نحل ذکر کرده است که می فرماید: وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (غیب آسمان ها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می داند)؛ و امر قیامت (به قدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیک تر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست.)

چه تشنه نباشد کس آنجا پس آن  
چه جای شراب هنی و مریست  
(دیوان ص ۱۱۴)

ناصر خسرو در این بیت بخشی از آیهی ۴ سورهی مبارکهی نساء را ذکر کرده است که می فرماید: «فَكُلُّوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (به خوشدلی می خورید آن را نوشنده و گوارنده.)

چه خطر دارد این پلید نبید  
عند کاسِ مزاجها کافور؟  
(دیوان ص ۷۷)

ناصر خسرو در این بیت از آیهی ۵ سورهی مبارکهی دهر استفاده کرده است که می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ كَاسِ كَانِ مَزَاجِهَا كَافُورًا» (ابرار از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است.)

## ۷-۴. اثرپذیری الهامی - بنیادی

یکی دیگر از شیوه های تاثیرپذیری ناصر خسرو، شیوه الهامی - بنیادی است. در شیوه الهامی - بنیادی گوینده پایه و اساس سخن خود را بر آیه ای از آیات قرآن بنیاد می گذارد و با الهام از آن سخن خود را بیان می کند؛ به گونه ای که افرادی که آیه یا حدیث آشنایی داشته باشند این الهام را به نیکی در می یابند. گاه این پیوند آن گونه نزدیک است که تصور می شود ترجمه ای حدیث یا آیه را بیان کرده است و زمانی هم چنان دور و دشوار یاب است که به سختی می توان آن را دریافت. (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۸۴، ص. ۴) با دقت در این نوع اثرپذیری

و مقایسه آن با اثر پذیرگی معنایی می‌توان تفاوت این دو نوع را این‌گونه عنوان کرد که در اثرپذیری معنایی شاعر معنای یک یا چند آیه را عیناً به شعر در می‌آورد اما در اثرپذیری الهامی عین معنای آیه به شعر منتقل نمی‌شود بلکه پیام نهایی و غایی آیه دستمایه‌ی آفرینش ادبی شاعر می‌شود. در دیوان ناصر خسرو از این نوع اثرپذیری هم می‌توان نمونه‌هایی چند یافت. از آن جمله است موارد ذیل:

گر من در این سرای نینیم در آن سرای امروز جای خویش چه باشد بصر مرا  
(دیوان ص ۱۲)

ناصر خسرو بیت را از آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی مبارکه‌ی اسرّی الهام گرفته است که می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است).

همچنین ناصر خسرو در بیت دیگر این‌گونه می‌گوید:  
بچه ماند جهان مگر به سراب سپس او تو چون دوی بشتاب  
(دیوان ص ۲۷)

این بیت الهام گرفته از آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نور است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا» (کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه (از دور) آن را آب می‌پندارد).

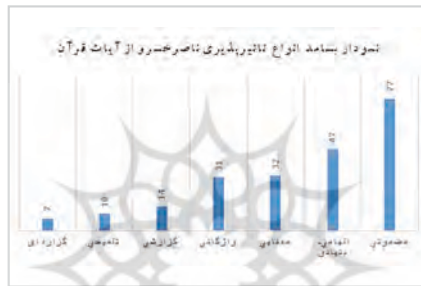
همچنین است در این بیت:  
کارهای چپ و بلایه مکن که به دست چپت دهند کتاب  
(دیوان ص ۲۹)

ناصر خسرو برای سپردن این بیت از آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی مبارکه‌ی الحاقه الهام گرفته است که می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابًا بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ» (اما کسی که نامه‌ی اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند»).

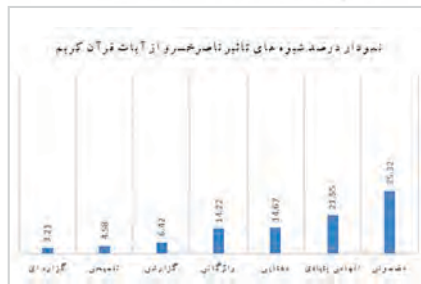
#### ۸-۴. بسامد انواع تاثیر پذیری

چگونگی استفاده شاعران و نویسندگان از کلام دیگران و از جمله آیات و احادیث در آثار خود به عواملی چند وابسته است؛ از جمله مهم‌ترین عواملی که بر چگونگی استفاده از آیات و احادیث تاثیر دارد، یکی توانایی شاعر در درج آیه یا معنا و مفهوم یا واژه‌های آن در شعر است و دیگری میزان تسلط شاعر بر قرآن. به بیان دیگر، میزان دانش شاعر از قرآن و تسلط وی بر جوانب مختلف قرآن از اصلی‌ترین عوامل موثر بر چگونگی استفاده از آیات قرآن است. حفظ قرآن توسط ناصر خسرو و تسلط وی بر مفاهیم و معانی و دستورات قرآنی و همچنین تسلط وی بر فرامین اندیشه‌های اسلامی در کنار قدرت شاعری و توانایی به خدمت گرفتن مفاهیم و مضامین مختلف توسط ناصر خسرو همه از جمله عواملی هستند که موجب شده ناصر خسرو در

بیان تفکرات دینی و تربیتی خود به طور گسترده از آیات قرآن بهره ببرد. همان‌گونه که پیشتر دیدیم، ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن، شیوه‌های متنوعی داشته است؛ اما با دقت در دیوان وی می‌توان به این حقیقت رسید که جایگاه شیوه‌های ذکرشده در دیوان ناصر خسرو یکسان نیست؛ یعنی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن ضمن استفاده از شیوه‌های متنوع، به برخی شیوه‌ها بیشتر نظر داشته و از شیوه‌های دیگر کم‌تر استفاده کرده است. نمودار زیر نشان‌دهنده‌ی میزان استفاده ناصر خسرو از شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری از آیات نورانی وحی است.



با دقت در نمودار مذکور می‌توان به روشنی دریافت که شیوه مورد علاقه ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن، بهره‌گیری از مضمون آیات است؛ این نکته مبین تسلط ناصر خسرو بر مفاهیم قرآنی و استفاده از آن‌ها متناسب با ساختار و دستور زبان فارسی است. همچنین شیوه‌های الهامی-بنیادی و معنایی در ردیف‌های بعد قرار دارند. با بررسی همه‌ی دیوان ناصر خسرو و تهیه‌ی آمار، میزان علاقمندی ناصر خسرو به انواع شیوه‌های تأثیرپذیری مشخص شد. در نمودار زیر درصد استفاده از شیوه‌های مختلف نشان داده شده است.





## ۵. نتیجه‌گیری

رسالتی که ناصر خسرو برای خود و شعرش متصور بود، دلیل روشن برای تأثیرپذیری همه‌جانبه از آیات نورانی قرآن است. انس ناصر خسرو با قرآن و تسلط وی بر مفاهیم و فرامین آن و همچنین وابستگی ذهن و زبان او به قرآن موجب استفاده متنوع از آیات قرآن شده است. ناصر خسرو از این مفاهیم برای انتقال هدف تربیتی خود به خواننده به خوبی بهره برده است. ناصر خسرو بیشتر از مضامین و معانی آیات قرآن بهره برده است و استفاده از عین عبارات و گزاره‌های قرآنی در دیوان ناصر خسرو در مقایسه با دیگر شیوه‌ها چندان جایگاهی ندارد. با بررسی و دقت در همه اشعار دیوان ناصر خسرو بسامد شیوه‌های اثرپذیری از آیات قرآن به این شرح است: مضمونی ۳۵/۳۲ درصد، الهامی - بنیادی ۲۱/۵۵ درصد، معنایی ۱۴/۶۷ درصد، واژگانی ۱۴/۲۲ گزارشی ۶/۴۲ درصد، تلمیحی ۴/۵۸ درصد، گزاره‌ای ۳/۲۱ درصد. باید در نظر داشت که رنگ تأثیرپذیری ناصر خسرو با دیگر شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان متفاوت است؛ این تفاوت از این جهت است که ناصر خسرو کوشیده است هرگاه از آیات بهره‌ای می‌برد، صرف نقل قول نباشد بلکه خود را نیز در لابلای مفاهیم و مضامین قرآنی به رخ خواننده می‌کشد و به نوعی مفاهیم قرآنی را با کلام خود بیان کرده است؛ از این رو عین عبارات قرآنی در شعر ناصر خسرو حضوری کم‌رنگ دارند و این نشان تسلط ناصر خسرو بر مفاهیم قرآن و توانایی او در به کارگرفتن این مفاهیم در شعر خود است.

## منابع

قرآن کریم.

- راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۴). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران، سمت.
- روحانی، رضا (۱۳۸۱). «قرآن و تاویل آن از دیدگاه ناصر خسرو»، فصلنامه‌ی الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۵۸.
- سبزیان پور، وحید (۱۳۸۳). «مطالعه‌ی مورد پژوهانه در تأثیر قرآن در ادبیات فارسی»، پژوهش‌های قرآنی، دفتر ۷۵ (۱).
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس.
- قبادیانی بلخی، ناصر بن خسرو (۱۳۸۷). دیوان اشعار، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق، مهدی (۱۳۷۴). تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق، مهدی (۱۳۸۲). تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو، نامه‌ی پارسی، شماره ۲۹.
- مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۸۶). واژگان خاص در شعر ناصر خسرو، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی اراک)، شماره ۱۲.
- موسوی، سیده زهرا، ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۴). نقد شیوه‌های تأثیرپذیری در شعر ناصر خسرو،



زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی اراک) « پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۳.  
نوریان، مهدی (۱۳۸۲). برخی دشواری‌های متن دیوان ناصر خسرو، نامه‌ی پارسی، شماره ۲۹.  
هانسبرگر، آلیس سی (۱۳۸۰). ناصر خسرو لعل بدخشان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه.  
یوسفی، محمد رضا (۱۳۸۷). «چگونگی ورود قرآن و حدیث به شعر فارسی، پژوهش‌نامه قرآن و  
حدیث» زمستان ۱۳۸۷ - شماره ۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی